

« حیدر بابایه سلام » شعر پاستورال^۱ یا

اتوپیا ی شهریار

دکتر بهروز بامدادی^۲

چکیده :

مشکلات زندگی و دغدغه‌ی خاطر انسان‌ها مثل: شکار، نگهبانی از خانواده و اطرافیان، جنگ و صلح با همسایگان، حفاظت مرزها، کشاورزی و بازرگانی و کارهای دیگر در طول تاریخ پراز حادثه‌ی زندگی انسان‌ها فکر او را به خود مشغول کرده است و امروزه این دل مشغولی‌ها هزاران برابر شده؛ فرصت خودیابی را از انسان سلب کرده است. درچنین زندگی پرهیاهویی، همواره دلبستگی‌ها، عشق‌ها و یادکرد حوادث شیرین زندگی، انسان را از رنج تن و فرسایش جان رها کرده است. پس برای رهایی از شلوغی محیط زندگی و دلهره‌های آن، انسان به یاد بهشت گم شده‌ی خود می‌افتد و شعر و ترانه‌ای می‌سراید که دلخواسته‌های او را بیان کند. این اشعار ساده به زندگی، عشق و دوستی‌های روستاییان و چوپانان اختصاص دارد و چون محل وقوع این حوادث روستاست؛ به این نوع شعر، پاستورال یا شعر چوپانی می‌گویند. در واقع روستا مظهر بهشت است. همان روستایی که بعداً به مدینه‌ی فاضله‌ی شاعر بدل می‌شود.

کلید واژه‌ها :

حیدر بابایه سلام - شعر پاستورال - شعر چوپانی - مدینه‌ی فاضله

^۱ - شبانی یا روستایی

^۲ - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مرند

مقدمه :

يکي از قالب هاي ارزشمند شعر در اروپا که ارمغاني گران بها از ادبيات يونان و روم قديم به شمار مي رود؛ شعر چوپاني (روستايي) يا پاستورال^۲ است که مضمون آن، ني زدن و ترانه سرودن و بيان همدلي ها و عشق ورزي هاي ساده چوپانان و روستاييان و شرح اساطير و حماسه هاي مردمی بوده و گاهي نيز مرثيه اي بر تخلصکامي هاي حيات و اغلب تصوير کردن زندگي نيکبختانه همان قهرمانان - چوپان و روستايي - بوده است .

قديم ترين اشعار روستايي يا شباني، قطعاتي است که به نام « آيديل » يا « اپيليا » مشهور شده و آنها را کريتنوس (ح ۲۶۰ - ۳۱۶ ق.م) سروده است . سروده هاي بيون (ح ۱۰۰ ق.م) و موسکيوس (ح ۱۵۰ ق.م) و ويرژيل (۱۹ - ۷۰ ق.م) در جوامع کهن ، ارجمند شمرده مي شده اند و اثر شگرفي که آنان در شعراي قرون وسطي در کشورهاي مختلف اروپا گذاشته اند؛ نشان مقبوليت اين نوع شعر است . شعراي اروپا نيز به قدر توان و استعداد ادبي خويش در غناي اين قالب شعر کوشيده اند. از نويسندگان و شاعران متأثر از شعر پاستورال مي توان به چاسر ، دانته ، ميلتون ، شکسپير و ديگران اشاره کرد.

به عبارت ساده تر مي توان گفت بسياري از شعراي جوامع اروپايي که از آرمانهاي انسان و مسائل بزرگ زندگي وي سخن گفته اند؛ به پاستورال توجه داشته اند.

شعر شباني يا پاستورال مختصات و مضاميني دارد که در اين بخش فهرست وار ذکر مي شود. و چون منظومه ی "حيدرآبایه سلام" یک اثر پاستورال به شمار می آید ؛ برای هر کدام از مشخصه های شعر پاستورال ، نمونه هایی از منظومه ی شهریار می آوریم :

۱- بيان ملوديك ، موسيقي غنی و شعر روان اثر که اغلب شعر هجايي است تا چوپانان و روستاييان بتوانند آن را بخوانند و از ترنم آن لذت ببرند :

بند ۱۶ منظومه: ... بير گنديديم داغ دره لر اوزوني

او خوييديم چوپان قيتر قوزوني

۱- براي مطالعه ر.ك . فرهنگ ادبيات و نقد ترجمه كاظم فيروزمند صص ۳۱۴ - ۳۱۰

ترجمه به فارسی : کاش می شد درازای این درّه را بپیمایم و ترانه ی " چوبان قیتر قوزونی " را بخوانم . این ترانه از زیباترین ترانه ها و "ماهنی های " روستای آذربایجانی است و همه ی روستاییان و چوپانان آذربایجان آن را می شناسند و می خوانند که موسیقی بسیار حزین و زیبایی دارد.

بند ۲۵ منظومه: ... منیمده اوقیزلارو ندا گوزوم وار

عاشیقلارین سازلاریندا سوزوم وار

ترجمه به فارسی : حیدر بابا ، هنوز چشمم به دنبال دختران زیباروی روستای توست و شعرم بر زبان و ساز عاشق های آذربایجان (نوازندگان و موسیقی دانان) جاری است و همه آن را می خوانند .

از روزی که منظومه ی حیدر بابایه سلام سروده شده به دلیل موسیقی روان و مطبوع و مقبول بودن در بین روستاییان ، به عنوان یکی از منابع غنی و اصیل موسیقی آذربایجان و عاشق های آذربایجان شمرده شده و اجراهای پرشمار بین عاشق های آذربایجان و ترکیه و جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهای ترک زبان دلیل این مدعاست .

۲ – نگاه آگاهانه و پر از دل آزردهگی شاعر به زندگی رنج آور نوع انسان و آروزی زندگی سالمی که تصویری از بهشت گم شده انسان است.

بند ۱۳ منظومه :گوز یاشئنا باخان اولسا قان آخماز

انسان اولان خنجر بئلینه تاخماز

آما حیف کور توتدو غون بورا خماز

بهشتیمیز جهنم اولماقدادور

ذی حجه میز محرم اولماقدادور

ترجمه ی فارسی: اگر کسی به اشک چشم مظلومان توجه کند ،خونی ریخته نمی شود کسی که انسان واقعی است ؛برای ستمگری خنجر به کمر نمی بندد .اما برخی مثل کورآویز از خیالات باطل خود دست بر نمی دارند .افسوس بهشت ما در حال تبدیل شدن به جهنم و ذی حجه ی(شادی) ما در حال تبدیل شدن به محرم(سوگاری) است .

بند ۱۲ - حیدر بابا شیطان بیزي آزدئرئب

محبتی اورمکلردن قازدئرئب

قره گونون سرنوشتین یازدئرئب

سالوب خلقي بیر بیرینون جانئنا

باریشیغی بلشدیروب قانئنا

ترجمه ی فارسی : حیدر بابا شیطان ما را فریفته است . محبت و دوستی را از دل های مان زدوده

و سرنوشت زندگی ما را تیره کرده است . مردم را به جان همدیگر انداخته و دوستی و آشتی را در خون غرق کرده است .

۳- بیان شادی های روزگار گذشته و اظهار ناشادی از وضعیت امروز و تحسرو بر شادی های سپری شده :

بند ۶: ... هیچ بیلزدیم دنگه لر وار دونوم وار

ایتگین لیک وار آیرئلیق وار اولوم وار

ترجمه ی فارسی : هیچ نمی دانستم که چنین راه های پرپیچ و خمی جلو رویم است و در این راه، خطر گم شدن و غصه ی جدایی و هول مرگ وجود دارد .

بند ۷: ... یادوندادی نه هولسک قاچاردئم

قوشلارد تکین قانادچالوب اوچاردئم

ترجمه به فارسی : آیا یادت هست چه قدر شتابان می دویدم و مثل پرنده ی سبک بال پر می گشودم ؟

بند ۹: ... شنگل آوایوردی عاشیق آلماسی

گاهدا گندوب او ردا قوناق قالماسی

داش آتماسی آلماهیوا سالماسی

قالوب شیرین یوخی کیمین یادئمدا

اثر قویوب روحومدا هرزادئمدا

ترجمه ی فارسی : سرزمین شنگل آباد ، سیب های خوشگل آنجا (به دلیل سرخ و زرد بودن ، سیب عاشق نام دارد) ، گاهی به آنجا رفتن و در آنجا ماندنم و با پرتاب سنگ ، میوه ی به و سیب انداختن از درخت مثل یک خواب شیرین به یادم مانده است و در روح و همه ی زندگی ام اثر گذاشته است .

بند ۱۰: ... کت کوشنین پائزلاری یازلاری

بیر سینما پرده سی دور گوزومده

تک اوتوروب سیرانده رم اوژومده

ترجمه ی فارسی : بهار و پاییز روستا و دشت مثل یک پرده ی سینما در جلو چشم است ؛ تنها نشسته ام و در خودم و خاطرات خودم سیر می کنم .

۴-تصویر ارادتمندانه و همراه با شیفتگی شاعر از زندگی روستایی به دلیل نعلق خاطر وی به آن زندگی ساده.

بند ۲۰: ...من قاییدوب بیرده اوشاق اولیدیم

بیرگول آچوپ اونداسورا سولیدیم

ترجمه ی فارسی: ...کاش من باردیگر به دوره به کودکی برگردم . مثل غنچه ای بشکفم و مثل گل پرپر شوم .

بند ۲۱: ...آی اوزومی او ازدیرن گونلریم

آغاج مینوب آت گزدیرن گونلریم

ترجمه ی فارسی : یادآن روزها به خیر باد که خودم رابرای دیگران عزیز می کردم .سوار اسب چوبی خودم می شدم ودر عالم کودکانه خودم با اسبم جولان می دادم .

بند ۲۶: ...ایندیده وار داماغنمدادوئر ه ر

ایتگین گنده ن گونلریمد ه ن یاد وئر ه ر

ترجمه به فارسی : هنوز مزه ی شیرین خوردنی های روستا درزیر زبانم است و شیرینی روز های گم گشته ی عمرم را به یادم می آورد .

۵-اشاره حسرت بار زندگی ساده روستاییان و چوپانان و کشاورزان و بیان غبطه خوردن بر عشق ها و کامیابی ها و حتی گاهی بر ناکامی های ساده آنان وشکایت از روزگار :

بند ۱۹: حیدر بابا کندن گونی باتاندا

اوشاقلارون شا مین بیوب یاتاندا

آی بولوتدان چیخوب قاش گوز آتاندا

بیزدنده بیر سن اوللارا قصه ده

قصه میزده چوخلی غم و غصه ده

ترجمه ی فارسی : حیدر بابا وقتی خورشید روستا غروب می کند وبچه های ده شام شان را می خورندتا بخوابند ؛ووقتی ماه از پشت ابر چشم وابرو می نمایاند ؛ از ما هم قصه ای بگو ودر قصه مان از غصه های بی شمارمان یاد کن .

بند ۷۶: ...دینه منیم شاعر اوغلوم شهریار

بیر عمر دور غم اوستونه غم قالار

ترجمه ی فارسی : بگو شهریار فرزند شاعرم عمری است که غصه ها بر هم می انبارد .

بند ۷۲: من سنون تك داغا سالدیم نفسي

سندھ قیتر گویلره سال بوسی

بایقوشوندا دار اولماسین قفسی

بوردا بیر شئر دارداقالبوب باغرئر

مروتسیز انسانلاری چاغرئر

ترجمه ی فارسی: من هم مثل تو نفسم را به کوه افکندم. تو هم این آه و غصه ی مرا به آسمان بلند کن
آرزو می کنم قفس جغد هم تنگ و دلگیر نباشد. اینجا شیری است که در قفس افتاده و می نالد و انسان
های بی مروت را صدا می کند.

۶- القای این اندیشه که زندگی شبانی، جزیره آرامش و عشق ورزی است و هر انسانی باید به دلیل
علاقمندی به نیکی، برای خود سهمی در آن بهشت موعود قایل باشد و از نداشتن آن حسرت بخورد (بر
انگیختن احساسات انسان) در واقع از دوری بنالد و دل ناشاد خود را با یاد آن سرزمین بهشتی تسکین
دهد و آرزوی وصال به آن سرزمین را داشته باشد:

بند ۱: ... حیدر بابا ایلدریریملارشاخاندا...

سلام اولسون شوکتوزه ائلوزه

منیمده بیر آدیم گلسین دیلوزه

ترجمه ی فارسی: حیدر بابا وقتی رعد می زند؛ ... بر ایل و شوکت تان سلام و درود باد. نام مرا
هم بر زبان بیاورید.

بند ۴: ... اوشاقلارون بیر دسته گول باغلا سین

یئل گلنده وئر گتیر سین بویانا

بلکه منیم یاتمئش بختیم اویانا

ترجمه ی فارسی: بگذار بچه هایت دسته گلی ببندند و وقتی باد می آید؛ بده به این سوی بیاورد شاید
بخت خواب رفته و ناسازگار من بیدار شود.

بند ۳: ... بیزدنده بیر یادائیلین ساغ اولسون

در دلریمیز قوی دیککلسون داغ اولسون

ترجمه ی فارسی: هر کس از ما یادی بکند؛ عمرش دراز باد. بگذار درد و غم هایمان مثل کوه
انباشته شود.

۷- توجه خاص به تیپ اجتماعی «چوپان» به دلایل زیر:

الف) «چوپان مظهر معصومیت و پاکی و سلامت نفس و نماد شیوه زندگی شیرین و با صفای روستایی است»

ب) چوپانی شغل «رعایت حال» است یعنی مهار قوی و کمک به ضعیف و ناتوان و در آخر همراه و همقدم کردن آن دو و باهم به سر منزل و مقصد رساندن.

پ: تعدادی از پیغمبران چوپان بوده اند و با گله و رمه سر و کار داشته اند. به دلیل همین دیدگاه مذهبی بود که در اواخر قرون وسطی تصویر پردازی شبانی مشخصه مهمی در آموزش های دینی مسیحی و عبری بوده است.

۸- توجه به عناصر طبیعت به عنوان مادر طبیعی و بیان همزیستی دوستانه میان انسان و طبیعت و انسان و حیوان.

با عنایت به ویژگی هایی که بر شمردیم، در شعر شبانی، شاعر از يك محیط واقعی یعنی روستا و يك تیپ روستایی یعنی چوپان متوجه معانی تمثیلی می شود و رفته رفته معنی ثانوی شعرش زاده می شود. با توجه به این نکته که شاعر محیط روستا را مجمع همه نوع زیبایی و کمال می بیند که زندگی در آن ساده و از جنگ و ستیزه جویی و شهوت پرستی و بی عاطفگی امروزین دور است؛ روستا آرام آرام مجمع پاکی و صفا و در واقع به اتوپیا یا آرمان شهر شاعر تبدیل می شود و چون شاعر به دنبال یافتن معصومیت از دست رفته نوع انسان است تنها آن را در مدینه فاضله اش می یابد. همچنان که خشکتاب شهریار يك روستای ساده نیست بلکه تصویری از بهشت آرمانی، دلخواه و پر از سعادت نوع بشر است. و مردمان ساده دل و ساده زی آن روستا نمونه های مثالی انسان های عاشق و سعادتمند هستند و شهریار برای کمال اثر خویش و تصویر آن بهشت گمشده «همدلی» خویش را با آن قهرمانان اساس کار قرار داده و «همزبانی» را بر آن افزوده است و با همه اراداتی که در عرصه غزل به زبان فارسی و خواجه شیراز نشان می دهد؛ در اینجا زبان سعادتمندان خشکتاب را برگزیده است. به گمان من اگر در آثار دیگر شهریار، شعر می سرود و آگاهانه می سرود و در گزینش کلمات و ترکیبات یا وزن و تصویر شعری می کوشید؛ در این اثر سیلان شعر، شهریار را با خود می برد و وی غیر از "محمول" شعر چیزی نبود.

شهریار برای شرح زیبایی فراموش شده و پاکی از دست رفته انسانها جایی بهتر از اتوپیا یا خشکتاب و قهرمانان ساده آن نمی بیند و در پایان بر وضع اسف بار زندگی امروزی مرثیه می خواند و بر روزهای گذشته خشکتاب و آداب و رسوم ساده، زیبا و انسانی آن حسرت می خورد.

آیا شنونده بیدار دل در مقابل این پیغام بزرگ جز تأثر و تحسر و اشک متاعی برای عرضه دارد؟ پس منظومه بزرگ شهریار گرانقدر ما به هدف انسانی خویش دست یافته و باعث اهتزاز ارواح و قلوب لطیف انسان ها شده است.

نتیجه گیری :

اگر چه در شعر ترکی و فارسی قالبی به نام شبانی یا پاستورال شناخته نشده است؛ با تأمل در منظومه حیدر بابایه سلام شهریار از زاویه ای جدید می توان بررسی و قضاوت نمود و آن را یک اثر پاستورال نامید. زیرا در خشکتاب شهریار هر چه هست زیبایی و نیکی است و "آنی" دارد که شهریار برای تکرار آن ها حسرت مندانه می گیرد و برای از دست رفتن آن همه نیکی سینه اش کباب است. آیا این چیزی جز یک مدینه ی فاضله ی واقعی است ؟

کتابنامه :

۱- شهریار سید محمد حسین ، حیدر بابایه سلام ، چ اول، انتشارات شمس ،

تبریز، ۱۳۶۸

۲- فیروز مند کاظم ، فرهنگ ادبیات و نقد ، چ اول ، انتشارات شادگان، تهران

۱۳۸۰